



راجع بسرقت

سرفت اغتایردن مال غیر است مخفیانه و در شریعت اسلام نیز تقریباً بهمین نحو تعریف شده و نصاب مال شرط جواز اجراء حد میباشد. در قانون مجازات ما برای دزدی تعریفی نشده است لذا ناچارم بسایر قوانین مراجعه نموده تاماهیت آن کشف شود.

در قانون رم سرقت چنین تعریف شده است (بردن مال دیگری بدون اجازه و رضایت او بقصد سلب تصرف مالک و تملک خود) بنابراین تعریف اگر کسی مال دیگری را ببرد نه بقصد تملک بلکه برای اضرار و بخشش بفقراء و غیره در نظر آن قانون این عمل سرقت نیست زیرا قصد تملکی درین نمینباشد ولی قوانین امروزه اغلب قصد تملک را شرط تحقق سرقت نداشته بنا براین بردن مال غیر ولو بقصد اتلاف یا برای مقصد مقدس از قبیل دادن بمریضخانه و امثال آن در نظر اکثر قوانین امروزه عمل مزبور سرقت است فقط قانون ایتالیا و آلمان در تحت تاثیر قانون رم واقع شده و در قانون ایتالیا بدین نحو تعریف میشود (کسی که مال منقول دیگری را از محتای که مال در آنجا واقع است بدون رضایت صاحب مال و بقصد انتفاع ببرد دزد است) در قانون آلمان (کسی که مال منقول دیگری را نیکی از طرق غیر مشروع و بقصد تملک ببرد دزد است) قانون فرانسه مینویسد (کسی که نیکی از طرق غیر مشروع

چیزی را ببرد دزد است) قانون انگلیس (تصرف در مال غیر بصورت غیر مشروع دزدی است).

از تعاریف مذکوره معلوم میشود که فعلاً هم بین قوانین کشورهای متمدنه دنیا مشابهت تامه نبوده و در عین حال با مطالعه کامل و تفحص در نظریات اساتید و علمای حقوق معلوم میشود برای تحقق سرقت وجود سه رکن لازم است

اول- آنکه مقصود از گرفتن مال سلب تصرف مالک باشد.

دوم- مال از محل خود برداشته شود

سوم- مال متعلق بغير باشد

۱- سلب تصرف مالک

ازاله تصرف مالک عبارت است از خارج نمودن مال از تصرف صاحب مال بقصد

تملك و غيره

بنابر این کسی هم که مشرف بموت باشد و ماکولی را برای سد جوع و حفظ حیات خود از دیگری ببرد دزد است البته جهت مزبوره مخفف خواهد بود.

۲- برداشتن مال مسروق از جای خود

در فهم این عنوان ناچار از بحث در سه جهت ذیل میباشیم

۱- چه اموالی قابل سرقت است؟

۲- چه کاری دزدی است؟

۳- چه وقت سرقت تمام میشود؟

۱. چه اموالی قابل سرقت است؟

شرط مهم و اساسی در تحقیق سرقت بردن مال است و بردن محقق نخواهد شد مگر در اموال منقوله زیرا فقط اموال منقول نقل و تحویل از محلی به محل دیگر خواهد بود. و در اموال غیر منقول این معنی مقصود نیست. و با این حال اگر مال مسروق بصورت اولی خود غیر منقول باشد ولی سارق بتدائیری آنرا بشکل منقول در آورد و نقل و تحویل دهد سرقت است مانند زغال و سنگهای معدنی خواه صاحب معدن آنرا میباید برای نقل و تحویل نموده و بیاهنوز استخراج نشده باشد و دزد خود میباید استخراج آن گردد. و همچنین است درب خانه و پنجره که دزد اولاً آنرا بکند سپس آنرا سرقت نماید این صور در حکم اموال منقول خواهد بود.

بنابر این مقدمه نایبته فوق الذکر اشیائی که وجود خارجی ندارند و بانسب قابل نقل و تحویل نمیباشند مانند نظریات علماء حقوق و فلاسفه و اطباء و اشعار شعرا و اختراعات اساتید صنعت و فن قبل از آنکه نوشته شود بر فرض که دیگری آنها را بنام خود جلوه دهد سرقت نیست. اما نوشته شد از امور بستکه در خارج وجود یافته و بدون رضایت صاحب آن سرقت خواهد بود.

ولی راجع بالکتریسته اساتید حقوق در این موضوع اختلاف نظر دارند. محاکم انگلیس و آلمان رأی داده اند که استفاده از قوه الکتریسته چه نسبت بکسی که اساساً جزء شرکاء نبوده و یا جزء شرکاء است ولی زائد بر میزانی که مورد قرار داده بود استفاده کند دزدی نیست. زیرا قوه الکتریسته وجود خارجی ندارد بلکه صرفاً خاصیت و اثر است. و چون دو دولت مزبور مشاهده نمودند که محاکم باین طریق رأی میدهند ناچار استفاده از قوه الکتریسته را بصورت غیر مشروع جرم مستقلی قرار داد و برای او مجازاتی غیر از مجازات سرقت مقرر داشته اند.

امام‌حاکم فرانسه از لفظ (شیئی) که در تعریف سرقت در قانون خودشان مذکور است و در صدر مقاله ترجمه آن ذکر شد استفاده از قوه الکتریسته را بنحویز بجز سرقت تشخیص داده شیئی اعم از ماده و خاصیت میباشد.

محکمه تمیز ترکیه در ۲۹ کانون دوم ۱۳۲۹ اینطور رأی میدهد (استیفاء بشخص مشترک زیاده بر آن مقداری که قرار داد کرده است بوسیله لامپهایی که بیشتر نور مصرف میکنند دزدی است).

ولی بدین استدلال که قوه الکتریسته از موادی است که قابل احراز است.

۴- چه عملی میتواند محقق سرقت باشد

گفته شد که یکی از شرایط اساسی دزدی گرفتن مال است و این مفهوم محقق نخواهد شد مگر در مال منقول و چون نسبت بهمین قسمت هم فروض مختلفه دارد باختلاف موارد آراء و فتاوی علمای حقوق مختلف است.

الف- اگر کسی لقطه (مال کم شده) را بردارد دزد است. یانه،

جمععی از علمای حقوق میگویند سرقتی که موجب عفویت میباشد بردن مال غیر است از حرز آن و در مورد لقطه هر چند تصاحب آن غیر مشروع است ولی چون حرزی در کار نبوده دزدی محسوب نمیشود زیرا لقطه در تصرف صاحب مال نبوده و مال مفقودی بوده است.

بعضی دیگر بر آنند در صورتیکه مال لقطه (یا بنده مال) میدانند که مال متعلق بغير است پس اقدام او بردن آن بردن مال است بطریق غیر مشروع و دزدی است و بعقیده ایندسته اگر مال لقطه را بردارد بقصد آنکه بصاحبش بدهد پس از آن تجدید رأی نموده و تصاحب کرد این عمل نه دزدی است و نه خیانت ذر امانت (دزدی

نیست) برای آنکه مال غیر را از حرز نبرده.
 خیانت در امانت نیست برای آنکه مالی با وسپرده نشده بوده. و چون اختلافاتی
 در استنباطات و اجتهادات آنها حاصل شده بود ناچار بعضی دول تصاحب لفظه را بقصد
 تملک جرمی مستقل تشخیص و مجازات مخصوصی غیر از مجازات سرقت برای آن
 مقرر داشته‌اند

ب. اگر بطریق اشتباه مالی بدست دیگری افتاد و خود آنرا تملک نمود مثل
 اینکه بالتواتر بخرد و در جیب آن پولی باشد یا مدیون زیاده بردین خود اشتباهها
 و بر حسب شباهت اسمی مال امانتی را بغیر صاحب مال دهد در این صورت آباء تصاحب
 چنین مالی دزدی است؛ تمام علمای حقوق میگویند دزدی نیست زیرا تصاحب کننده
 مالی را از دیگری نبرده است بلکه آن مال بغیر طریق ربودن بهر رسیده و بختیار
 و رضایت باو داده شده است و در فرعی اخیر میگویند اگر بدین وسیله از مأمور بست
 مال معانی بگیرد گناه برداری کرده است نه دزدی.
 ج. اگر مدیون از دائن مطالبه سندی که بر او سپرده است بپذیرد و اظهار کند
 میخواهد بدهی خود را بپردازد ولی بعد از گرفتن سند از دادن وجه خودداری کند
 اکثر اساتید و علمای حقوق میگویند این شخص دزد است و بدین طریق استدلال
 مینمایند که دائن قبض را برای آن داده است که پول خود را بگیرد و چنانچه مدیون
 بدون آنکه وجه را بدهد سند را تصاحب کند بردن مال غیر است بدون رضایت او
 دزدی است

۲- چاه وقت سرقت تمام میشود؟

گفته شد که دزدی عبارت از بردن مال منقول است در محل آن بنا بر این علمای

حقوق متفقند بر اینکه گذاردن دست روی مال قبل از آنکه آنرا از جای خود بردارد دزدی نیست ولی اختلاف در ماهیت نقل و تحویل شده است برخی بر آنند که صرف برداشتن مال از جای خودش که صاحب آن گذارده بوده کافی است برای تحقق سرقت و همینطور محکمه تمیز فرانسه رای داده است ولی دسته دیگر میگویند این مقدار کافی برای تحقق عنوان سرقت نیست بلکه باید دزد علاوه از بردن مال خود را هم بمامنی که صاحب مال نتواند او را بگیرد از خانه مثلا اگر دزد کیسه پولی را برداشت و قبل از آنکه از خانه خارج شود دستگیر شد در این صورت جرم سرقت محقق نشده است حتی دسته از علماء دست بالاتر را گرفته میگویند شرط است در تحقق جرم سرقت رسانیدن مال مسروق بمقصودی که دزد برای نگاهداری آن در نظر گرفته است مثلا اگر دزدی قصد کند مالی را از مجلی بدزد و در فلان غار آنرا پنهان کند چنانچه بردن آن مال موفق شد ولی قبل از آنکه بغار رساند دستگیر شود دزدی محقق نشده است

در قانون مجازات ما ماده نیست که بنوان در خل این مشکلات بدان مراجعه نموده ولی از محاکم تمیز کشورهای مختلفه آراء مختلفه در این موضوعات صادر شده است . محکمه تمیز ترکیه در ۱۳۳۰ چنین رای میدهد (اگر دزد قبل از خروج از خانه دستگیر شده در صورتیکه حامل اشیاء مسروقه باشد سرقت محقق نیست و شروع ناقص است) و هیئت عمومی دیوان مزبور چنین رای میدهد (اگر دزد گنده را از مخزن خارج کرد و در کیسه خود ریخت و در حالیکه میرود و هنوز بمقصد نرسیده دستگیر شد سرقت محقق نیست بلکه شروع به سرقت تام میباشد)

۲- اگر مال متعلق بغير باشد

راجع به این موضوع و شروط اساسی باید در سه مسئله بحث نمود:

اولاً. مال مسروق باید قابلیت تملك را داشته باشد بنابراین ربودن دختری و بیاطفالی و یا شخص عادی و حبس کردن او سرقت نیست بلکه این اعمال سلب حریت شخصی است زیرا پس از آنکه قانون اسنرفاق در کشور های متمدنه عالم نسخ شد بشر مالیت ندارد ولی اینرا نمی توان قیاس بسرقت اشیائی که نگاهداری آنها برای افراد ممنوع است نمود مانند اسلحه سرد و گرم زیرا این اشیاء مالیت داشته النهایه باید بدوات تسلیم شود.

ثانیاً. اینکه مال مسروق ملك دیگری باشد و یا بتعمیر شرعی اسلامی محروم باشد بنابراین تصاحب اشیاء مباحه مانند آب و هوا قبل از آنکه بوسیله حرز ملك غیر شود دزدی نیست بر این مقدمه اگر با شرکت میاء قراردادی راجع بمقداری از آب بسته شد و زیاده از آن مقدار استیفاء گردید دزدی است زیرا آب ملك شرکت خواهد بود و نیز چیزهایی که از آنها اعراض شده مانند باقیمانده از بناء مانند سنگ و شن و امثال آن که بواسطه ریختن در معبر حکایت از اعراض کند بردن آنها بسرقت نسبت ولی نمی توان آنرا بکفن اموات یا اشیاء زینتی آنها مقایسه کرد چه کسان متوفی از آن اعراض ننموده بلکه بوی تخصیص داده اند.

ثالثاً. مال مسروق باید ملك غیر سارق باشد بنابراین اگر کسی مال خودش را که پیش خودش از طرف محکمه تأمین شده یا بشخص ثالث سپرده شده یا راهن مال مرهون را تصرف و تصاحب نماید سرقت نیست زیرا قرار تأمین ملك را از ملکیت صاحب مال خارج نموده و رهن نیز مرهون را ملك مرتهن نمیسازد و بهمین جهت این اعمال جرائم مستقله تشخیص و مجازات مخصوصه دارد ولی اگر یکی از شرکاء مال شرکت را که در دست شریک است بدون رضایت او ببرد علمای حقوق در سرقت بودن آن اختلاف دارند برخی بر آنند که چون شریک نسبت بسهم شریک دیگر اجنبی است بردن سهم او بدون علم و رضایتش تصرف غیر مشروع در مال غیر خواهد بود و محکمه تمیز

فرانسه همین قسم رای داده و قانون جزای ایتالیا این عمل و تصاحب یکی از اورتها نسبت
 سرکه . مشترک سرقت تشخیص داده است .

(انواع سرقت و اسباب مشدده آن)

سرقت منقسم می شود بدو قسم . عادی و غیر عادی . سرقت عادی عبارت است از
 دزدی که با تحقق از کان سه گانه مذکور در مقاله سابقه موجود می شود رای باعتبار
 زمان و مکان و افعالی که سارق در قبال شرکت مرتکب میشود و وصف سارق از حیث
 تعدد دزدی را بدو قسمت منقسم نموده جنحه و جنایت اینک اسباب مشدده را در تحت
 عناوین ذیل مختصراً توضیح میدهم .

۱- آزار

آزار عبارت است از هر گونه تعدی عملاً نسبت به صاحب مال یا بکسی که مال
 با وسیره شده است ولو آنکه تعدیات مزبور موجب جراحت یا موجب آزاری در بدن
 نباشد مانند پوشانیدن سر و صورت صاحب مال یا بستن چشم و یا کتف او و امثال آن .
 تمام این اقسام تعدی مشمول عنوان آزار بوده و فاعل آن مستحق مجازات تریهیمی خواهد
 بود (رجوع بماده ۲۲۲ قانون مجازات عمومی) ولی آزاری که موجب تشدید مجازات
 می شود و سرقت را جنایتی می سازد مشروط بشروط ذیل است .

۱- آزار قبل از سرقت و یا در حال سرقت واقع شود بنا بر این چنانچه آزار و تهدید
 پس از خاتمه سرقت صورت گرفت مشمول عنوان فوق الذکر نبوده و نمیتوان آنرا سرقت
 جنایتی دانست . مثل آنکه صاحب مال برای استرداد مال مسروق در خارج از خانه
 با دزد طرف شود و سارق وی را تهدید و یا آزار نماید

نمره و نتیجه اختلافی که در تمام شدت سرقت در مقاله سابقه اشاره شد در این خصوص مؤثر است چه اگر تمامیت سرقت بر رسیدن سارق بمانن یا رسانیدن بمقصدی که برای حفظ مال مسروق در نظر گرفته شرط تمامیت سرقت باشد آزار بکه در این خلال واقع شود در صورت اولی و صورت ثانیه فرق داشته و وصف سرقت را تغییر خواهد داد باجمله توسعه و توضیح مفهوم سرقت نسبت بآزار بکه از طرف سارق صورت گیرد مؤثر در مجازات خواهد بود.

۲. باید مقصود از آزار و تهدید دزدی باشد چنانچه آزار برای مقصود دیگر غیر از دزدی صورت گیرد مانند عمل منافق عفتی که در آن خلال وقوع باید در چنین صورتی مشمول ماده فوق الذکر نخواهد بود چه ظاهر این ماده و کلیه قوانینی که آزار و تهدید را هشدن قرار داده اند در صورتیست که آزار و تهدید برای موفقیت سرقت و بهمان مقصود باشد در اینجا باید متذکر بود که اگر چندین نفر سارق بعضی از آنها مرتکب آزار گردند مجازات جنائی فقط در مورد کسی اجراء خواهد شد که مرتکب آزار شده است و نسبت بدیگران که مرتکب آزار نشده اند سرقت عادی میباشد.

۲- زمان ارتکاب

یکی از جهات مشدده وقوع دزدی در شب است در قانون ما شب تعریف نشده است.

علمای حقوق در این مفهوم اختلافاتی دارند. بعضی معتقدند که زمان بین غروب آفتاب و طلوع آن شب است. برخی تشخیص این امر را بنظر قضات واگذار کرده و جمعی آنرا باختلاف عادات شهرها و درجه تمدن آنها فرق گذارده اند. مثلاً در جاهایی که عادات اهالی آن بر آن است که از اول شب منزلهای خود در فتنه و بی‌توجه نمایند

از زمان رفتن بخانه شب شروع میشود ولی در بلادی که تا اواسط شب مردم در معاشرت و رفت و آمد هستند شب از تاریخی شروع خواهد شد که بر حسب عرف و عادات آن شهر قطع مراودات شده و برای استراحت مردم بخانه خود میروند.

(دیوان تمیز ترکیه در یکی از آراء خود یکساعت بعد از غروب آفتاب را شب تشخیص داده اند)

۲- جاده عمومی

در قانون ما برای جاده عمومی تعریفی نشده است مقصود از جاده عمومی راهپائی است که در خارج قصبات و قراء بود و مستعد برای عبور و مرور دائمی عموم باشد گرچه آن جاده ملك شخص معین باشد. بنابراین طرق و شوارع داخل قصبات و قراء طرق عمومی نیست زیرا در این قبیل شوارع بخلاف جاده عمومی استمداد ممکن است

سرقه در ترن را علمای حقوق بالاتفاق در شارع عام ندانسته اند. و همچنین سرقه مکاری از مالیکه در جاده عمومی با وسیره شده است سرقه تحت عنوان مزبور نیست. و نیز در ختھائیکه در طرفین جاده عمومی غرس شده باشد سرقه از جاده عمومی نمی داند

همچنین سرقه سنك و شنی که در جاده عمومی برای تعمیر جاده ریخته میشود سرقه جنائی تشخیص نداده اند زیرا مقصود از دزدی در شارع عام دزدی است که از عبور کننده بشود. بهمین نحو تمیز فرانسہ احکام عدیده صادر کرده است

۴ - وسائلی که برای دزدی اتخاذ میشود و موجب تشدید مجازات مجتمعا یا منفردا میگردد

الف - شکستن حرز

این عنوان بخراب کردن دیوار یا سوراخ کردن و یا شکستن درب و پنجره محقق خواهد شد. گرچه در قانون ما این معنی تعریف نشده است ولی محکمه تمیز ما و سایر کشورهای متمدنه این عملیات را محقق عنوان شکستن حرز تشخیص داده اند و تعریف جامع آن عبارت است از ازاله هر مانعی که صاحب مال برای حرز آن تهیه کرده است بقصد رسیدن بمالی که در صدد دزدی آن میباشد. بنابراین اگر شکستن در و پنجره بعد از سرقت انجام گیرد مثل اینکه دزد بخانه ای که درب آن باز است داخل شود و پس از برداشتن مال در موقع خروج درب خانه را مقفل بیند و آنرا بشکند در این صورت حرزی را برای سرقت نشکسته است.

(کارو استاد و متخصص حقوق جزائی در این قسمت مخالف و فرقی بین شکستن قبل یا بعد نمی گذارد زیرا شرط تمامیت سرقت را نقل مال مسروق از محل خود نرساندن بمان چنانکه در مقاله سابقه گفته شد میدانند) و در این صورت شکستی که برای خروج از محل مسروق منته صورت گیرد شکستن نیست که برای سرقت صورت گرفته.

ب - استعمال آلات مخصوصه مانند کلید ساختگی

مقصود از کلید ساختگی در ماده ۲۲۲ قانون مجازات عمومی استعمال کلیدی است که صاحب مال برای برای قفل خود تهیه کرده است بنابراین اگر درب خانه با همان کلیدی که صاحب خانه برای آن تهیه کرده است باز شود مثل آنکه صاحب خانه کلید خود را مفقود نموده و دزد آنرا بیابد و بکار برد مشمول عنوان فوق نخواهد بود و همین قسم است اگر بدوا دزد کلید اصلی را سرقت کند سپس با همان کلید استفاده نماید کلید ساختگی بکار نبرده است.

ج - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند

یکی از جهات مشدده تعدد سارقین است. در تعدد مسؤولیت قانونی تمام آنها شرط نیست بنابراین اگر یکی از سارقین مجنون یا مکره و یا مجبور باشد مغیر و وصف تعدد نسبت بمسؤل قانونی نخواهد بود زیرا مسؤول حاجزی برای اجرای عقوبت ندارد و معذور بودن دیگران تأثیری در اصل مجازات و یا نوع آن نسبت به غیر معذور نخواهد داشت و وصف تعدد در مورد آن صادق است چه در چنین موردی سارقین علاوه از دو نفر بوده اند ولو آنکه بعضی از آنها مکره بوده و قابل مجازات نباشند.

د - حمل سلاح

از سلاح در قانون ما تعریفی نشده است. بعنیده نویسنده مفسود از سلاح مذکور در ماده ۲۲۲ قانون مجازات عمومی هر گونه آلات برنده و کشنده است مانند چاقو شمشیر، کارد، مبله آهنی، انواع اسلحه تازی و هر چیزی که دزد بتواند بوسیله استعمال آن از خود دفاع کرده و صاحب مال را عاجز از مقاومت نماید و بهمین نحو آرائی از دیوانهای تمیز و تمیز ما دیده شده و اقسام مذکوره فوق را سلاح تشخیص داده اند بنابراین اگر دزد اسلحه خود را در خارج از محل مسروقه منه بگذارد و در حال سرقت حامل آن نباشد مسلح محسوب نخواهد بود مگر آنکه تمامیت سرقت را بصرف خروج از محل سرقت ندانسته بلکه رسیدن بامن و یا رسانیدن بمقصود را چنانچه فوقاً اشاره شد شرط بدانیم.

(تکرار سرقت)

تکرار بمعنای تجدید عمل سابق است یکمرتبه یا چندین مرتبه و در اصطلاح عامی قانون حالت شخصی است که مرتکب جرمی در خلال مدت معینی شده درحالتی که برای ارتکاب جرم بحکم لازم الاجراء سابقاً محکوم شده باشد (رجوع شود بماده ۲۴ و ۲۵ اصلاح شده در خرداد ۱۳۱۰).

کایه قوانین قدیم و حدیثاً تکرار را موجب تشدید مجازات مقرر داشته و در صورت تجدید در مرتبه ثانیه عقوبت را شدیدتر کرده و همچنین قوانین امروزه تکرار را مشدد دانسته و اختلاف از جهت شرط وحدت نوع جرم و منشاء است.

اما علماء حقوق از نظر حقوقی در تاثیر تکرار تشدید مجازات اختلاف دارند برخی بر آنند که فرقی بین محکومیت حقوقی و جزائی نیست همان قسمی که محکومیت سابق حقوقی پس از اجراء دوش در عمل لاحق نمیشود در امور جزائی هم نباید مؤثر باشد مثلاً اگر کسی بحکم محکمه دین خود را نادیده نمود بری الذمه میشود و چنانچه از جهت دین دیگری در مقابل محکوم له سابق یا دیگری محکوم گردد نمیتوان محکومیت سابق او را تأثیری در حکم ثانوی داد و مانند او است محکومیت از جهت ارتکاب جرم جدید از اجرای مجازات در باره او حق جامعه استیفا گردیده است.

بعضی برخلاف نظریه فوق بین محکومیت های جزائی و حقوقی فرق گذارده بدین استدلال که منظور از مجازات اصلاح و تهذیب و تصفیه جرم است و با تکرار جرم معانوم میشود آن مقدار مجازاتی که در مورد او اجرا شده تا مین آن منظور را ننموده و لذا برای نایل بمعصود نباید تشدید کرد تا مجرم بهتر اصلاح شود.

فرقه ثالث قائل بتفصیل شده در صورت وحدت جرم از حیث وصف تکرار را مؤثر

مثلاً اگر کسی مرتکب سرقت شد و مجدداً مرتکب سرقت گردید. در این صورت تکرار و اعدلا و انصافاً مقتضی تشدید دانسته ولی اگر جرم اولی از نوع جرم ثانوی نباشد مثل آنکه سابقاً برای زنا محکوم شده باشد موثر در تشدید مجازات سرقتی که بعداً مرتکب شود نمیدانند.

فرقه چهارم اتحاد منشاء را کافی دانسته و هشابیت عینی را در تشدید لازم نمیدانند و بنا بر این جرائم را بسه قسمت ذیل منقسم نمودند

۱- مخالفت با دولت

۲- تعدی باشخاص

۳- تعدی باموال

و بنا بر این نظریه قتل، زنا و لو اطفه شبابه، یکدیگرند از حیث منشاء از نظر تعدی باشخاص و سرقت، تزویر خیانت در امانت و کلاه برداری از جهت تعدی باموال (در ماده ۲۵ اصلاح شده سرقت، اختلاس، ارتشاء، کلاه برداری و خیانت در امانت را نظیر یکدیگر دانسته است).

اما بعقیده نویسنده وحدت وصف عمل باید حقا شرط تحقق عنوان تکرار بشود زیرا منظور از مجازات تشفی خاطر نیست بلکه اصلاح مجرم یعنی تعدیل قوای فکریه او است که آن قوا منشاء و موجب تحریک عضلات و ارتکاب اعمال سوء میباشد و چون برای هر یک از انواع اعمال در دماغ مرکز است که قوت و ضعف او از تکرار آن کشف میشود لذا با وحدت وصف عمل نمیتوان فهمید که چه عملی منشاء آن در دماغ مجرم قوی است و بایستی بوسیله تشدید مجازات آن منشاء را تضعیف کرد و در غیر این صورت هر گاه بتکرار ترتیب اثر مهم دهیم برخلاف عدل بوده و بالتسبیح در مجازات مجرمین تبعیض شده است چه بین زنا و خیانت در امانت، ضرب از جهت موجب که همان قوای فکریه است قدر مشترکی نیست بخلاف آنکه هر گاه خیانت در امانت مثلاً تکرار

شد در اینصورت معلوم میشود در دماغ مجرم راجع باین عمل مخصوص کیفیتی موجود است بعکس سایر موارد که قضیه فی واقعه میباشد. در عین حال فوق کلی است بین کسی که اساساً سابقاً پیرامون جرمی نگردیده و محکومیتی ندارد با کسی که محکومیت‌های سابقه داشته و میتوان فهمید که تعیین حداقل و اکثر در مجازات و اینکه اغلب حداکثر چندین برابر حداقل است و با تعلیق مجازات راساً و همچنین تجویز تنزل مجازات جنائی تا یک درجه و جناحه تا هشت روز حبس در قوانین برای تأمین همین نظر بوده است که بتوانند باعتبار اوصاف مجرم و جرم مجازات مجرمین را تخفیف یا تشدید نمایند فقط اشکال در تبدیل مجازات تادیبی است بترتیبی در اثر محکومیت‌های سابقه از جهت اموری که حتماً و منشاءاً با جرم اخیر مغایر است بتقریبی که ذکر شده است بحث عملی در اصل قضیه

اما آنچه که از مادین ۲۴ و ۲۵ فوق‌الذکر استفاده میشود فقط وحدت منشاء آنها در جرائم جناحه موجب تشدید علاوه بر تشدید که بر اصل تکرار مقرر است منظور داشته زیرا تجاوز از حداکثر را بعلاوه نصف در صورت مماثله جرم نانی با جرم اول تجویز نموده و بطوری که فوقاً اشاره نمودیم سرقت و اختلاس و کلاه برداری را نظیر یکدیگر دانسته است

و نیز از جمله شرایط تکرار مذکور در مادین فوق‌همان صدور حکم لازم الاجراء است سابقاً و از این قید استفاده میشود که هر گاه قبل از قطعیت حکم که در مسائل جزائی باهرام در دیوان تمیز است مجرم مرتکب جرمی شود تکرار محقق نخواهد شد اما در جرائم خلافی باتفاق تمام قوانین امور خلافی موجب تکرار جرم نخواهد شد زیرا تعدی امور خلافی نسبت باموال و نفوس خفیف است و حکایتی هم از سوءسریه ندارد در اینجا یک سؤال باقی است که هر گاه جرم اولی عفو شود چه صورتی دارد؟ جواب این سؤال موکول بمقاله آتیه است